

**Predigt zum 2. Sonntag im Advent, am 3.12.2023,
Erlöserkirche Düsseldorf (SELK)
Pfr. Gerhard Triebe**

Offenbarung des Johannes 3,7-13:

این پیغام را برای رهبر کلیسای فیلادلفیه بنویس: «این پیغام از سوی کسی است که پاک و صادق است و کلید داوود را دارد. دری را که او بگشاید، کسی نمیتواند ببندد؛ و دری را که او ببندد، کسی نمیتواند بگشاید. 8 «تو را خوب میشناسم؛ میدانم که چندان نیرومند نیستی، اما تلاش خود را کرده ای تا از احکام من اطاعت نمایی؛ نام مرا نیز انکار نکرده ای. پس من نیز دری به روی تو گشوده ام که کسی نمیتواند ببندد. 9 «به همین جهت، آنانی را که در باطن از هدفهای شیطانی پشتیبانی میکنند اما به ظاهر ادعای پیروی مرا مینمایند، مجبور خواهم ساخت تا آمده، به پایهای تو بیفتند و بدانند که تو محبوب من هستی؛ زیرا ایشان دروغ میگویند و هیچ تعلق به من ندارند. 10 «تو از من اطاعت کردی، گرچه این امر به قیمت اذیت و آزارت تمام شد، اما تو در تمام مشکلاتت، صبر و تحمل نشان دادی. از این رو، من نیز تو را از دوره آزمایش سخت حفظ خواهم نمود، تا از بلایی که بر سر تمام مردم دنیا خواهد آمد، در امان باشی. 11 من بزودی خواهم آمد. پس همان نیروی اندکی را که داری، حفظ کن تا کسی نتواند تاج و پاداش عظیم تو را بگیرد و ببرد. 12 «هر که پیروز شود، او را در خانه خدای خود ستونی محکم خواهم ساخت تا همواره در حضور خدا باشد و دیگر هرگز بیرون نرود. نام خدای خود را نیز بر او خواهم نهاد تا متعلق به شهر خدایم، اورشلیم جدید گردد که از آسمان از جانب خدایم میآید. همچنین نام جدید خود «را بر او خواهم نهاد. 13 «هر که این را میشوند، خوب توجه کند که روح خدا به کلیساها چه میگوید

جامعه عزیز، مردی نیازمند است. او برای دعا به کلیسا می رود. اما کلیسا قفل است. ناامید به نزدیکترین میخانه می رود و با چند آجیو به خود دلداری می دهد. سپس ماشین خود را می گیرد و به داخل شهر می رود و به سمت کلیسای جامع می رود. اما آن هم قفل است. او با عصبانیت سوار ماشینش می شود و سپس واقعاً پیاده می شود، درب ورودی بزرگ را می شکند و با عجله از راهروی مرکزی به سمت محراب می رود. در آنجا نماز بخواند یا نفرین کند، راز او باقی می ماند. سرانجام برمی گردد و دوباره از کلیسا بیرون می رود. خسارت مادی قابل توجه است. اما آسیب شخصی به کسی که به دنبال کمک است و همه چیز را بسته می بیند به طور قابل توجهی بیشتر است

1.

جامعه عزیز، ما در یک جامعه بسته زندگی می کنیم. خانه‌ها قفل هستند، حتی گاهی اوقات نمی‌توان به دفاتر و مقامات از طریق تلفن یا ایمیل دسترسی داشت، اکثر درهای کلیسا بسته هستند و اغلب جماعت‌ها با محافل و گروه‌هایشان بسته می‌شوند. چهره‌ها بسته اند، مردم دگمه‌ها را بسته اند، دل‌ها یخ زده اند. در شهر ما بسیار خطرناک است که درهای خانه و آپارتمان را باز بگذاریم. پلیس می‌گوید سارقان هر 2 تا 3 دقیقه سرکار می‌آیند. با سوراخ‌های درب، سیستم‌های مخایره داخل ساختمان و دوربین‌های نظارتی، ما نسبتاً احساس امنیت می‌کنیم. حداقل ما می‌توانیم تصمیم بگیریم که چه کسی را وارد خانه کنیم و چه کسی را نگذاریم. و ما به هر کسی که زنگ خانه ما را به صدا در می‌آورد اجازه ورود نمی‌دهیم

ساختمان کلیسای ما تفاوتی ندارد. عده‌ای جلوی ویترونی که به زیبایی طراحی شده توقف می‌کنند. اگر بخواهند نگاهی به کلیسا بیندازند، ناامید خواهند شد: در بسته است. به غیر از صبح‌های یکشنبه، ما فقط یک بار در ماه در عصر جمعه برای سرویس تعزیه باز هستیم و نه در تمام طول سال

من همچنین ترجیح می‌دهم "خانه زندگی" خود را بسته نگه دارم. من اجازه نمی‌دهم همه به کارت‌های من نگاه کنند. ساختن نمای من بسیار پر زحمت بود. یکی از دوستان اخیراً به من گفت: «بهتر است حقیقت را نگویم. بهتر است همیشه دوستانه و مودب باشید، در این صورت حداقل دچار مشکل نخواهید شد.» راه درازی آمده است.

و آنچه پشت درهای بسته خانه‌های نامحسوس در این کشور اتفاق می‌افتد، رعشه بر ستون فقرات شما می‌افکند. به سختی هفته‌ای می‌گذرد که موارد جدیدی از کودک‌آزاری گزارش نشده باشد. سال گذشته حدود 15 هزار و 500 مورد در کشور ما گزارش شده است. این وحشتناک است. شما در واقع نمی‌توانید آن را تحمل کنید. تعداد موارد گزارش نشده ظاهراً چندین برابر بیشتر است.

اما درها نیز بسته هستند - درهای کسانی که آسیب دیده‌اند، اغلب به اندازه کافی درهای مقامات مسئول و خدمات پزشکی، اما همچنین درهای ما که وقتی به اتاق آرام عقب نشینی می‌کنیم، پشت سرمان بسته است

II.

دنیای ما با خواهران و برادران جامعه فیلادلفیا فرق دارد، جامعه عزیز. اولین مخاطبان این نامه از مکاشفه یوحنا در قرن اول میلادی در ترکیه کنونی زندگی می‌کردند. آنها تحت آزار و اذیت وحشتناک امپراتور روم دومیتیان متحمل شدند. او به خود اجازه داد که به عنوان خدا پرستش شود، اما مسیحیان فیلادلفیا در برابر این ادعا مقاومت کردند زیرا آنها فقط عیسی مسیح را به عنوان خدا و پادشاه به رسمیت شناختند

ظاهراً آنها شایستگی خود را در این تعهد ثابت کردند. آنها به خاطر ایمان راسخ خود گواهی خوبی دریافت کردند که به این معنی بود که از شهادت نمی‌ترسیدند. آنها به خود اجازه نمی‌دادند که بترسند، اما بر ایمان خود ایستادند

این پیام به اصطلاح به «فرشته جامعه در فیلادلفیا»، یعنی رهبری که قرار است آن را به اعضای جامعه منتقل کند، یک بار دیگر اساس ایمان را نشان می‌دهد که به چنین استواری نیرو می‌بخشد. این به ما یادآوری می‌کند که از طریق عیسی مسیح دروازه‌ها و درها به روی زندگی باز می‌شوند. این پیام ظهور است

مسیح درب بهشت را به روی ما باز کرده است. راه رسیدن به خدا آزاد است. دیگر چیزی بین ما و او نیست ما به عنوان مؤمن می‌توانیم به خدا وارد و خارج شویم. همانطور که یکشنبه گذشته شنیدیم، او خودش "راه را باز می‌کند" در هر دو جهت. او نه تنها راه ما را به سوی خدا روشن می‌کند، بلکه راه خدا را نیز به سوی ما باز می‌کند. مسیح این در را به سمت بهشت و از بهشت باز می‌کند، دیوارهای ما را می‌شکند و در موقعیت زندگی ما به سراغ ما می‌آید. فقط او می‌تواند این در را باز کند زیرا فقط او کلید آن را دارد. او «قدوس حق است که کلید داوود را دارد، که باز می‌کند و کسی نمی‌بندد و می‌بندد و کسی نمی‌گشاید» و می‌گوید: «من کارهای تو را می‌دانم. اینک من دری را پیش روی شما گشوده‌ام که هیچ کس نمی‌تواند آن را ببندد. زیرا اندکی قدرت دارید و به قول من نگاه داشته‌اید و نام مرا انکار نکرده‌اید» (آیه 7). او به تنهایی تصمیم می‌گیرد که این در به روی چه کسی باز شود و به روی چه کسی بسته بماند

و اکنون او به کلیسای خود اختیار مدیریت این کلیدها را داده است. عیسی آنچه را که در آغاز اعتراف می‌شنویم به پطرس گفت: «کلیدهای ملکوت آسمان را به تو می‌دهم: هر چه بر روی زمین ببندی در آسمان نیز بسته خواهد شد و هر چه بر روی زمین بگشایی در آسمان نیز بسته خواهد شد.» اگر این بخشش در اینجا در اعتراف به شما اعطا شود و در عشای خداوند به صورت فیزیکی ابلاغ شود، آنگاه این در به سوی خدا باز می‌شود. اما سپس دری به زندگی شما باز می‌شود. نه تنها به خدا دسترسی دارید، بلکه مسیح دوباره راه خود را به زندگی شما باز می‌کند. پادشاه افتخار وارد می‌شود

و هر جا که این در آسمانی حرکت کند، این وعده بزرگ وجود دارد: "هر که پیروز شود، ستونی در معبد خدای خود خواهم ساخت و او دیگر بیرون نخواهد رفت و نام خدای خود را بر او خواهم نوشت." «نام شهر خدای من، اورشلیم جدید، که از آسمان از جانب خدای من نازل می شود، و نام من، شهر جدید» (آیه 12) از طریق مسیح دروازه‌ها و درها به سوی زندگی ابدی در بهشت باز می‌شوند

III.

و در همان زمان تعداد زیادی از مردم در مقابل درهای بسته ایستاده‌اند. کلیساها قفل شده‌اند، مردم دکمه‌ها را بسته‌اند، گوش‌ها را بسته‌اند و قلب‌ها را دیوار بسته‌اند. و از آن بدتر، بهشت به روی آنها بسته است، آنها دسترسی ندارند زیرا کسی که کلید دارد، مسیح را نمی‌شناسند

جامعه عزیز، در حالی که از یک سو به درستی برای حفظ کلام خدا تلاش می‌کنیم، همانطور که در اینجا می‌گوید: «آنچه داریم را حفظ کنیم» (آیه 11)، از طرف دیگر در خطر این هستیم که خود را در پشت بسته منزوی کنیم. درها را حفظ کنید و کلام خدا را به همان روشی که قبلاً غذا حفظ می‌شد حفظ کنید: مهر و موم شده و مهر و موم شده در شیشه‌های نگهداری

اما نباید اینطور باشد. کلام خدا باید به گوش مردم بیاید، باید درها را باز کند و فضای پشت سر آنها را پر کند. ما هر فرصتی برای این کار در کشور خود و در زمان خود داریم. ما از آزار و اذیت رنج نمی‌بریم، می‌توانیم به عنوان مسیحی آزادانه حرکت کنیم و بدون هیچ نگرانی از ایمان خود پیروی کنیم. این همچنین به این معنی است که آنچه در کتاب مقدس موقتی است و آنچه برای همیشه و همیشه الزام آور است را در نظر بگیرید

بنابراین از شما می‌خواهم که نه تنها به تجهیزات دیجیتال و بازسازی کم‌مصرف انرژی کلیسا و اتاق‌های اجتماع خود فکر کنیم، بلکه بارها و بارها به این فکر کنیم که چگونه می‌توانیم دروازه‌ها و درهای زندگی را برای افراد دیگری که می‌توانیم به آنها کمک کنیم باز کنیم. اطمینان حاصل کنید که افرادی که به دنبال آرامش درونی هستند، به مشاوره نیاز دارند، به راحتی نیاز دارند، همه چیز را برای ما بسته نبینند - و این به طور بالقوه می‌تواند منجر به آسیب شخصی گرانبها شود

ممکن است به نظر خطرناک باشد که درهای خود را باز کنید - چه شخصی و چه اجتماعی. شما نمی‌دانید چه کسی یا چه چیزی را به خانه خود می‌آورید. این در کلمات به کلیسای فیلادلفیا به شکلی گرافیکی بیان شده است: "اینک، من برخی از جماعت شیطان را می‌فرستم که می‌گویند یهودی هستند و نیستند، بلکه ضد الهی و ضد مسیحی ظاهر می‌شوند که دروغ می‌گویند" (آیه 9). اما حتی اگر قدرت‌ها و شخصیت می‌خواهند ایمان و جامعه ما را به آشوب بکشانند - از چه چیزی باید بترسیم؟ با مسیح در کنار شما، در نهایت: هیچ چیز! اگر کلیسای فیلادلفیا قدرت کوچک اما مؤثری داشت، قدرت امروز ما چقدر بیشتر است

ما نه تنها قدرت، بلکه مسئولیت نیز داریم. ما در ظهور زندگی می‌کنیم، مسیح دوباره می‌آید. پس برای کسانی که او را نمی‌شناسند چه می‌شود زیرا همیشه در مقابل درهای بسته ایستاده‌اند و هیچ کس درهای زندگی را به روی آنها باز نکرده است؟

ما مهمترین پیام دنیا را داریم. ما نمی‌توانیم آنها را برای خودمان نگه داریم. با آن ما نیز در این دنیا وظیفه داریم. و ما می‌توانیم آنها را خیلی راحت تر از روزهای کلیسای فیلادلفیا برآورده کنیم. چه بسیار افرادی که احتمالاً در محیط نزدیک ما زندگی می‌کنند که برای زندگی به کمک ملموسی نیاز دارند، نه دریچه‌ای به بهشت.

مسیح «دفتر کلیدها» را به ما داده است - آیا ما نیز کلید قلب مردم را نداریم؟ بسیاری از مردم نمی توانند با زندگی کنار بیایند زیرا هرگز درباره بخشش و آشتی، صلح و عشق چیزی نشنیده اند، چه رسد به اینکه آن را احساس کنند. ما کلیدهای آن را داریم، جامعه عزیز

فیلادلفیا یونانی است و به معنای عشق برادرانه است. این برعکس یک جامعه بسته از افراد بسته ذهن با قلب های یخ زده است. بلکه درها و درها واقعاً کاملاً باز هستند، درهای بهشت و درهای قلب. پادشاه افتخار عیسی مسیح می تواند به آنجا بیاید و برود. اینجاست که مردم به طور مشخص در این زندگی کمک می شوند و به زندگی ابدی نجات پیدا می کنند. آمین